

در رئای شهید روح الله عجمیان

باید دوید و باز هم دوید و اگر در این شرایط تاریخی کس دیگری را هم نیافتید و تنها ماندید، بدانید در این راه حتی از تنهایی خود هم لذت می‌برید، زیرا در راهی هستید که رنگ توحید دارد. دویدنی شبیه دویدن حضرت یوسف علیه السلام در راهی که راه اطاعت از حضرت حق و دور شدن از معصیت الهی بود. دویدنی که تنها در مسیر دویدن، درهای بسته گشوده می‌شود. مثل آن که برای شهید شهریار گشوده شد و اورانیوم ۲۰٪ را تهیه کرد. پس:

چون که رخنه نیست در عالم پدید
خیره یوسف وار می‌باید دوید

دویدن در مسیر توحید، عشقی را به انسان عطا می‌کند که در جای دیگر نمی‌توان آن را تجربه کرد. هیچ ماندنی ما را به این عشق نمی‌رساند. آیا در این حالت این ما نیستیم که با نظر به جهان مدرنیته با خود خواهیم گفت: آیا در جهان مدرنی که هم‌اکنون روشن شده که ناقص است، ما در این جهان چه اندازه می‌توانیم در آرامش به سر بریم؟ در حالی که با حضور در تاریخی که با انقلاب اسلامی به ظهور آمده، چون به خود آییم با خود خواهیم گفت: روان‌مان چه اندازه بیدار شده، سبک‌بارتر از یک پَر. این جهان چه اندازه گشوده است و چرا شهدا این چنین سبک‌بار به سوی چنین جهانی می‌دویدند؟ چه چیز موجب شد اینان همچنان دویدند و باز هم دویدند و خود را در آغوش شهادت یافتند، تا جایی که حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در وصف آن‌ها فرمود:

«از شهدا که نمی‌شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه‌شان در شادی وصول‌شان، عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» اند (آل عمران ۱۶۹) و از نفوس مطمئن هستند که مورد خطاب «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» پروردگارند. این جا صحبت عشق است و عشق، و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۷)

این است نتیجه دویدن در مسیر گشوده‌ای که رنگ و بوی توحید دارد و خلوت‌نشینان در پی آن هستند، ولی بسیجیان یک شبه آن را یافتند زیرا متوجه تاریخی شدند که با انقلاب اسلامی به ظهور آمده است.